

## نقد و بررسی تعارض برخی رویدادهای تاریخی مرتبط با امام رضا علیه السلام با نصوص امامت

سعید رسالتی\*

### چکیده

در منابع روایی شیعه، نصوص فراوان و حتی در برخی موارد در حدّ تواتر می‌توان یافت که دلالت بر امامت دوازده امام دارند. «فیصل نور» نویسنده معاصر وهابی، در کتاب *الإمامة و النص*، ادعا کرده است که نصوص امامت به دلیل تعارض با روایات فراوان دیگر، فاقد اعتبار می‌باشند. وی در بخشی از این کتاب، بی‌اطلاعی یاران امام رضا علیه السلام از جانشین ایشان و همچنین نزاع برخی از اهل بیت امام هشتم علیه السلام با ایشان را در تعارض با نصوص امامت دانسته و از این رهگذر، پس از انکار امامت حضرت رضا علیه السلام، فقدان نصوص امامت در منابع روایی شیعه را نتیجه گرفته است. این مقاله با به‌کارگیری روش توصیفی - تحلیلی، ضمن اثبات وجود نصوص امامت از منابع فریقین، درصدد نقد این دیدگاه برآمده و به این نتیجه دست یافته است که بی‌اطلاعی یا تردید برخی از نزدیکان و یاران حضرت رضا علیه السلام از مسئله امامت، معلول عوامل سیاسی، مادی و شبهات اعتقادی بوده است، نه فقدان نصوص امامت.

### واژگان کلیدی

فیصل نور، نصوص امامت، تعارض، امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام، اهل بیت.

### طرح مسئله

«نص» یکی از موضوعات مورد بحث در کلام اسلامی بوده و در آثار و سخنان متکلمان شیعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «نص» در لغت به معنای بالا بردن شیء (زبیدی، ۱۴۱۴: ۹ / ۳۶۹) «نهایت یک شیء» و «اظهار کامل یک شیء» بوده و لغت‌شناسان تصریح کردند که منظور فقیهان از نص قرآن و حدیث، همین معنا است. (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۵ / ۶۵ - ۶۴) و در اصطلاح، نص به معنای دلیلی است که هیچ‌گونه خلافی در آن راه نیابد (مفید، ۱۳۹۶: ۲) و یا لفظی است که تنها بر یک معنا دلالت کرده و احتمال غیر آن معنا داده نشود. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴ / ۱۸۶؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۳۳۸) لکن مقصود از نص در بحث کنونی، «روایاتی است که در احادیث شریف نبوی بر خلافت و وصایت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام و امامت سایر ائمه علیهم السلام وارد شده است».

متکلمان شیعه اثنی‌عشری، با عنایت به جایگاه والای مقام امامت (نراقی، ۱۳۶۹: ۱۳۰) در باب امامت عامه به «لزوم نص» باور داشته و برای اثبات لزوم نص، به ادله عقلی همچون «مخفی بودن عصمت» (مرتضی، ۱۴۱۰۲: ۲ / ۵) «مخفی بودن افضلیت» (مقداد، ۱۴۲۲: ۳۳۴ - ۳۳۳) و «لطف بودن نصب امام معصوم» (لاهیجی، ۱۳۶۲: ۱۱۶) و ادله نقلی (قرآن و روایات نبوی) استناد جسته‌اند. و در باب امامت خاصه، تمام تلاش خود را جهت اثبات امامت امامان معصوم علیهم السلام به‌کار بسته‌اند و از این رهگذر، در آثار خود، روایات فراوانی را که به «نصوص امامت» شهرت یافته‌اند، بیان کرده‌اند.

نص، به «قولی» و «فعلی» تقسیم می‌شود. نص قولی نیز خود بر دو قسم «جلی» و «خفی» می‌باشد. (همو، ۱۳۸۳: ۴۸۶ و ۵۲۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۰: ۱۶۰؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۸۱)

در منابع روایی فریقین، نصوصی که به بیان تعداد، اوصاف و یا نام ائمه اثناعشر پرداخته‌اند، فراوانند. از منابع شیعه، می‌توان از *کافی* (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۳۰ و ۵۳۲)، *کمال‌الدین و تمام النعمه* (صدوق، ۱۳۹۵: ۱ / ۲۸۱)، *الارشاد* (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۱ / ۲۳۳)، *بحارالانوار* (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۷) نام برد. از منابع اهل سنت نیز از کتبی چون *صحیح مسلم* (نیشابوری، بی‌تا: ۶ / ۳ و ۴) و *صحیح بخاری* (بخاری، ۱۴۰۱: ۸ / ۱۲۷) یاد کرد. حتی برخی از نصوص امامت همچون «احادیث اثناعشر» به حدی است که در مورد آن ادعای تواتر شده است! (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۵۶؛ حلی، ۱۳۷۹: ۱۷۷)

فیصل نور، نویسنده معاصر وهابی، در کتاب *الإمامة والنص* منکر تمامی نصوص امامت شده است. وی، صرفاً با تکیه بر منابع شیعه، بدون بررسی سندی روایات و صرفاً با متعارض دانستن روایات شیعی، به ردّ نصوص امامت پرداخته و به زعم خود، مسئله امامت را با استناد به منابع شیعه، بی‌اساس نشان داده است. از این‌رو، در نقد شبهات وی نیز، صرفاً به دفع تعارضات از روایات شیعی توجه شده است و عمدتاً از

نقد و بررسی تعارض برخی رویدادهای تاریخی مرتبط با امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با نصوص امامت □ ۱۰۷

استشهاد به سایر منابع غیر شیعی، پرهیز شد.

وی در بخشی از باب اول این کتاب، روایاتی را از منابع شیعه نقل کرده است که به حسب ظاهر، حکایت از بی‌اطلاعی یاران حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> از مسئله امامت داشته و در ادامه با نقل منازعه دو تن از اهل بیت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با ایشان، این مسائل را در تعارض با نصوص امامت دانسته و از این رهگذر، فقدان اعتبار این نصوص را نتیجه گرفته و آن را وضعی و ساخته محدثان شیعه دانسته است. (فیصل نور، ۱۴۲۵: ۱۶۳ - ۱۵۸)

در نقد شبهات فیصل نور، اثری همچون رساله دکتری آقای هادی سلیمانی‌فر با عنوان «امامت خاصه امامان اهل البیت<sup>علیهم السلام</sup> با تبیین تواتر نصوص نام‌های ایشان و پاسخ به شبهات باب النص کتاب الامامة والنص»، نگاشته شده است. لکن در این آثار، پاسخ‌ها به صورت کلی و مشترک بین چند امام بسنده شده است و جای خالی نقد و پاسخی مستقل و جداگانه به شبهات مختلفی که در مورد هر امام مطرح شده است کاملاً محسوس است.

در این نوشتار تلاش شد تا به روش توصیفی - تحلیلی، تعارض ادعایی، مورد بررسی و نقد قرار گیرد. حاصل پژوهش این است که اولاً، فارغ از ثابت قدم بودن برخی از یاران امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در مسئله امامت، تردید برخی از یاران ایشان در این مسئله، معلول خفقان حکومت عباسی و تقیه شیعه، کارشکنی واقفیه در مسئله امامت، سن کم امام جواد<sup>علیه السلام</sup> و ... بوده است. ثانیاً، نزاع برخی از اهل بیت علی بن موسی الرضا<sup>علیه السلام</sup> با ایشان، در یک مسئله مالی بوده است و هیچ ارتباطی با ادعای امامت آن حضرت نداشته است.

#### بیان شبهات فیصل نور پیرامون نصوص امامت

شبهه اول: بی‌اطلاعی یاران امام رضا<sup>علیه السلام</sup> از نصوص امامت  
روایاتی در منابع شیعه وجود دارد که حکایت از ناآگاهی اصحاب و یاران حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> از امام پس از ایشان دارد که از نگاه فیصل نور، این مسئله تنها معلول این است که هیچ نصی بر امامت امامان شیعه در آن زمان وجود نداشته است. وی، جهت اثبات مدعای خود، ۱۳ روایت را از منابع شیعه ذکر کرده که براساس آن، یاران امام رضا<sup>علیه السلام</sup> از امام پس از ایشان و یا از آخرین امام که قیام خواهد کرد، می‌پرسند.

این روایات را در دو دسته‌بندی می‌توان جای داد:

دسته اول: بی‌اطلاعی از امام بعدی؛ فیصل نور روایات متعددی از منابع شیعه نقل می‌کند که مطابق آن، یاران حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> از امامت حضرت جواد<sup>علیه السلام</sup> اظهار بی‌اطلاعی کرده و از آن حضرت درباره جانشین ایشان سؤال می‌کردند. به‌عنوان نمونه:

این‌نصر گفته: از علی‌رضاء علیه السلام سؤال کردم: فدایت شوم، من در این مکان (القادسیه) از پدرت درباره خلیفه‌اش سؤال کردم. او نیز من را به تو راهنمایی کرد، و من هم چند سال قبل که هنوز فرزندی نداشتی، از تو سؤال نمودم که پس از تو چه کسی امام است؟ گفتم: امامت در میان فرزندانم است. حال خداوند دو تا پسر را به تو بخشیده، کدام‌یک از آنها جایگاه امامت را متعهد می‌شود؟ گفت: آنچه را که سؤال نمودی، هنوز وقتش نرسیده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳ / ۶۷)

همچنین از عبدالله بن جعفر روایت شده که گوید:

من و صفوان بن یحیی خدمت امام رضا علیه السلام رسیدیم، در آن هنگام ابوجعفر که سه سال عمر داشت، ایستاده بود. به او گفتم: فدایت شویم. پناه بر خدا اگر حادثه‌ای برای تو پیش بیاید، پس از تو چه کسی امام است؟ فرمود: این فرزندم و به‌سوی ابوجعفر اشاره نمود. گفتم: ایشان در این سن هستند؟ فرمود: بله، او امام است درحالی‌که در این سن است. خداوند متعال به‌واسطه عیسی حجت را بر مردم تمام کرد، درحالی‌که دو سال سن داشت. (همان: ۵۰ / ۳۵)

**دسته دوم: بی‌اطلاعی از امام زمان علیه السلام؛** در ادامه، نویسنده کتاب *الامامة والنص* سه روایت نقل می‌کند که مطابق آن، دعبل خزاعی، ایوب بن نوح و ربان بن صلت، از حضرت رضا علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام سؤال می‌کنند. از دعبل بن علی خزاعی روایت شده که گوید:

قصیده خودم را برای سرورم علی بن موسی‌الرضا سرودم ... هنگامی‌که به این شعر رسیدم: «خروج امامی که بدون شک بر نام و برکات خداوند قیام می‌کند. حق و باطل را به کلی در میان ما جدا می‌کند. بر نعمت‌ها و سختی‌ها جزا و پاداش می‌دهد». امام رضا به سختی گریست و سپس سرش را به‌سوی من بلند کرد و گفت: ای خزاعی! روح‌القدس زبان تو را برای گفتن این دو بیت، به نطق درآورد. آیا می‌دانی که این امام چه کسی است؟ و در چه وقتی قیام می‌کند؟ گفتم: خیر ای سرورم! مگر اینکه شنیده بودم که امامی در میان شما قیام می‌کند و زمین را از فساد پاک می‌کند و آن را پر از عدل و قسط می‌کند ... (صدوق، ۱۳۷۸: ۲ / ۲۶۵)

فیصل نور پس از نقل این روایت، درباره دعبل خزاعی چنین گفته است:

گفتمنی است که دعبل نزد شیعه از جایگاه بسیار بزرگی برخوردار می‌باشد؛ چراکه از مردن در راه ولاء و دوستی با اهل‌بیت، هراسی نداشته است. اما آنچه که جای نگرانی است جهل و بی‌اطلاعی او نسبت به بزرگترین رکن از ارکان دین است! (فیصل نور، ۱۴۲۵: ۱۵۸)

نقد و بررسی تعارض برخی رویدادهای تاریخی مرتبط با امام رضا<sup>(ع)</sup> با نصوص امامت □ ۱۰۹

همچنین از ایوب بن نوح روایت شده که گفت:

به ابی الحسن رضا<sup>(ع)</sup> گفتم: «ما امیدواریم که تو صاحب این امر باشی، و خداوند بدون زحمت و بدون اینکه شمشیر را به کارگیری، آن را به تو ببخشد». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱ / ۳۷)

در روایتی از ریان بن صلت روایت شده که گفت:

به حضرت رضا<sup>(ع)</sup> گفتم: آیا تو صاحب امر امامت هستی؟ گفت: «من صاحب این امر هستم، اما من آن کسی نیستم که زمین را پر از عدل می‌کند چنان که پر از ظلم و ستم شده است». (همان: ۵۳ / ۳۲)

به باور فیصل نور:

اگر واقعاً نص یا نصوصی بر امامت وجود داشت، شیعیان علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> نباید هیچ تردیدی در امامت جانشین ایشان، امام جواد<sup>(ع)</sup> و همچنین امام دوازدهم حضرت قائم<sup>(ع)</sup> داشته باشند، درحالی که می‌بینیم کراراً از امام رضا<sup>(ع)</sup> درباره امام پس از ایشان می‌پرسند و این خود نشان‌دهنده فقدان نصوص امامت می‌باشد. (فیصل نور، ۱۴۲۵: ۱۶۰ - ۱۵۸)

#### نقد شبهه اول

پیش از نقد شبهه یادشده، توجه به این نکته لازم است که فیصل نور، در باب اول کتاب *الامامة والنص* خود، این شبهه را در مورد امامان قبلی نیز مطرح کرده است. نگارنده در مقاله‌ای (رسالتی و رضائزاد، ۱۳۹۷: ۸ / ۱۲۸ - ۱۱۳) که به نقد این شبهه، پرداخته است، ذیل پاسخ به شبهه نصوص امامت امام زین‌العابدین<sup>(ع)</sup>، یکی از دلایل اصلی بی‌اطلاعی یاران ائمه<sup>(ع)</sup> نسبت به نصوص امامت را جریان و سیاست «منع تدوین حدیث» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲ / ۵۱) و ضرر و زیانی که از این سیاست، به عالم اسلام رسیده بود، دانسته است که «از بین رفتن تعداد زیادی از احادیث معتبر»، «بهانه برای وضع و جعل احادیث در مدح خلفا» و از همه مهم‌تر، «از بین بردن یاد و نام علی<sup>(ع)</sup> و سایر امامان یعنی همان جانشینان پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>» از جمله آنها بود. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۴۶ - ۴۴؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۱ / ۶۶۵ - ۶۵۶)

همچنین نباید از «دشمنی حاکمان اموی و عباسی با امامان شیعه» غفلت کرد. منابع روایی و تاریخی، این واقعیت را به روشنی انعکاس داده‌اند که جهت رعایت اختصار، تنها به ذکر منابع بسنده

می‌شود. (شهرستانی، ۱۴۱۸: ۳۵۷؛ عسگری، ۱۳۸۸: ۱ / ۴۴۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۴۶ - ۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷ / ۱۶۲)  
اکنون نقد شبهه به تفصیل ذکر می‌گردد:

یک. نادرستی فرضیه «بی‌اطلاعی یاران امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> از نصوص امامت» با تحلیل روایات با دقت و تحلیل در روایات مورد استناد فیصل‌نور، به‌دست می‌آید که بسیاری از این روایات، برخلاف برداشت نادرستی که وی داشته است، دلالت بر آگاهی یاران امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> از نصوص امامت دارد.  
الف) تحلیل روایات دسته اول: با نگاه بدوی به این روایات، به‌روشنی به‌دست می‌آید که راوی نسبت به امامت حضرت رضا<sup>علیه‌السلام</sup> و امامت جوادالائمه و حتی امامان بعدی آگاهی کامل داشته است، لکن تنها از نام آنها بی‌اطلاع بوده است. به‌عنوان نمونه، ابن‌نصر می‌گوید:

از علی‌رضا<sup>علیه‌السلام</sup> سؤال کردم: فدایت شوم. من در این مکان (القادسیه) از پدرت درباره خلیفه‌اش سؤال کردم. او نیز من را به تو راهنمایی کرد، و من هم چند سال قبل که هنوز فرزندی نداشتم، از تو سؤال نمودم که پس از تو چه کسی امام است؟ گفتم: امامت در میان فرزندانم است. حال خداوند دو تا پسر را به تو بخشیده، کدام‌یک از آنها جایگاه امامت را متعهد می‌شود؟ گفتم: آنچه را که سؤال نمودی، هنوز وقتش نرسیده است. (همان: ۲۳ / ۶۷)

مطابق این روایت، ابن‌نصر، امامت امام کاظم<sup>علیه‌السلام</sup> را قبول داشته است و نیز می‌دانسته که ایشان دارای جانشین می‌باشد که امام پس از ایشان است و نیز می‌داند که امامت، با امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> خاتمه نیافته و پس از ایشان نیز امامی خواهد آمد.  
اکنون این پرسش مطرح می‌شود که ابن‌نصر از کجا به این مسائل علم داشته است؟ آیا جز این است که از طریق نصوص امامت بوده است؟  
و یا از «بنان بن نافع» روایت شده که گفت:

از علی بن موسی الرضا<sup>علیه‌السلام</sup> سؤال کردم: فدایت شوم، پس از تو چه کسی صاحب امر امامت می‌باشد؟ فرمود: ای فرزند نافع! از این در همان کسی وارد می‌شود که وارث آنچه است که من از پدرم به ارث برده‌ام و او پس از من حجت خداوند است. در این هنگام محمد بن علی وارد اطلاق شد. (همان: ۵۰ / ۵۶)

مطابق این گزارش نیز، «بنان بن نافع» از اصل مسئله امامت و جانشینی و خلافت آگاهی داشته

است و تنها نسبت به مصداق آن جهل داشته است.

بنابر آنچه فیصل نور ادعا می‌کند، اگر هیچ نصی بر امامت امامان وجود نداشته است، یاران آن حضرت، با چه معیاری امامت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> را پذیرفته و علم به امام بعدی داشته‌اند؟  
(ب) تحلیل روایات دسته دوم: اثبات وجود نصوص امامت مطابق این دسته از روایات، آسان‌تر است؛ زیرا سوال‌کننده در عصر امام رضا<sup>علیه السلام</sup> از امام دوازدهم می‌پرسد و حتی به این مسئله نیز آگاهی کامل دارد که او جهان را پس از آنکه از ظلم‌وجور پر شده است، پر از عدل‌وداد می‌کند. برای نمونه، دعبل خزایی می‌گوید:

وقتی که سروده‌ام را برای حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> می‌خواندم و به این قسمت رسیدم: «خروج امامی که بدون شک بر نام و برکات خداوند قیام می‌کند. حق‌وباطل را به کلی در میان ما جدا می‌کند. بر نعمت‌ها و سختی‌ها جزا و پاداش می‌دهد»، آن حضرت، از من درباره آن امام و زمان ظهورش پرسید که من گفتم: نمی‌دانم ولی شنیده بودم که امامی در میان شما قیام می‌کند و زمین را از فساد پاک می‌کند و آن را پر از عدل‌وقسط می‌کند ... (صدوق، ۱۳۹۵: ۲ / ۳۷۲)

و همچنین از ریان بن صلت روایت شده که گفت:

به حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> گفتم: آیا تو صاحب این امر (امامت) هستی؟ فرمود: «من صاحب این امر هستم، اما من آن کسی نیستم که زمین را پر از عدل می‌کند چنان‌که پر از ظلم‌وستم شده است...». (همان: ۳۷۶)

مطابق این دسته از روایات، «دعبل» و «ریان بن صلت»، می‌دانستند که امامانی خواهند آمد و امام رضا<sup>علیه السلام</sup> آخرین امام نیست و آخرین امام، قیام خواهد کرد و عدل‌وداد را در جامعه، برپا خواهد کرد. لیکن، اطلاعات بیشتر را از امام رضا<sup>علیه السلام</sup> طلب می‌کردند. و این آگاهی اینان، تنها می‌توانست براساس روایاتی باشد که در آن، به امامت امامان دوازده‌گانه شیعیان تصریح شده است. و اگر هیچ نصی بر امامت حضرات معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> وجود نداشته است، اینان چگونه از مسائلی همچون قیام آخرین امام باخبر بوده‌اند؟ و اما علت پرسش آنان از برخی دیگر از مسائل امامت را باید در اموری دیگر جستجو کرد که در ذیل بدان اشاره خواهد شد.

دو. اصرار و تأکید امام رضا<sup>علیه السلام</sup> بر مخفی ماندن نام امام بعدی

با مطالعه اخبار و گزارش‌های تاریخی و روایات معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> به دست می‌آید که نام دوازده امام جزو

اسرار امامت به‌شمار می‌رفته و آگاهی نسبت به آن عمومی نبوده است؛ بلکه فقط ائمه و عده کمی از یاران ایشان از آن مطلع بوده‌اند.

از مهم‌ترین عوامل بی‌اطلاعی برخی یاران امام رضا علیه السلام نسبت به مسئله جانشین آن حضرت، و معرفی نکردن امام جواد علیه السلام توسط امام رضا علیه السلام به‌عنوان امام بعدی، به‌دلیل دوران خفقان حکومت عباسی بود؛ زیرا اگر امام رضا علیه السلام به معرفی علنی جانشینش می‌پرداختند، چه‌بسا از طرف حکومت بدخواهان، ترور می‌شد. به‌دلیل شرایط خاصی که برای امام رضا علیه السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارش به‌دست هارون الرشید به وجود آمد و هارون به‌دلیل نگرانی از عواقب قتل امام موسی بن جعفر علیه السلام، فشار بر امام هشتم علیه السلام را کاهش داده بود و تعرضات جدی بر امام رضا علیه السلام در دوره هارون، گزارش نشده است. همچنین امام رضا علیه السلام جهت مبارزه با جریان انحرافی «واقفیه» که برخی از شیعیان را تحت تأثیر خود قرار داده بود، امامت خود را آشکار ساخته و تقیه در این مسئله را صلاح نمی‌دانستند.

لکن، گزارش‌های روایی حکایت از این دارد که این سخت‌گیری‌ها همچنان بر یاران آن حضرت ادامه داشته و شیعیان همچون گذشته، باید جانب احتیاط و «تقیه» را در پیش گرفته تا از بیم فشار، دستگیری و ترور در امان بمانند. امام رضا علیه السلام نیز برای حفظ جان شیعیان، در مسئله حیاتی «امامت»، محتاطانه عمل کرده و دستور به تقیه می‌دادند. ایشان در روایتی فرمودند:

کسی که از گناهان پرهیز ندارد، دین ندارد. همچنین کسی که از تقیه استفاده نمی‌کند، ایمان ندارد. گرامی‌ترین شما در نزد خداوند، داناترین شما به تقیه است. (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۷۴)

با فراهم شدن آزادی نسبی برای امام هشتم در زمان هارون و فعالیت‌های فرهنگی آن حضرت و آشکار ساختن امر امامت، صفوان بن یحیی، یکی از یاران آن حضرت به ایشان عرض کرد: «شما امر بزرگ و خطیری را اظهار می‌دارید و ما از این ستمگر بر شما می‌ترسیم». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹ / ۱۱۵) نیز از محمد بن سنان نقل شده که به ابی‌الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در ایام خلافت هارون عرض کردم: «شما امر خلافت و امامت خود را آشکار ساخته، به‌جای پدر نشستید، درحالی‌که هنوز از شمشیر هارون خون می‌چکد». (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۵۷)

این گزارش‌ها بیانگر آن است که شیعیان نسبت به جان امام علیه السلام بیمناک بوده‌اند و ایشان با این پیشگویی که «هارون، توان صدمه زدن بر من را ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹ / ۱۱۵) آنان را آرام می‌ساخته است. خود حضرت رضا علیه السلام نیز با آگاهی کامل از فرصت‌طلبی برخی از دشمنان مکتب اهل بیت علیهم السلام برای ضربه زدن به آن حضرت، گرچه امامت خود را پنهان نمی‌کرد، لکن در مواردی از علنی کردن

نقد و بررسی تعارض برخی رویدادهای تاریخی مرتبط با امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با نصوص امامت □ ۱۱۳

نام جانشین خود و زمان تولد آن، اجتناب می‌نمایند. بزنبلی نقل کرده است که در قادسیه خدمت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> عرض کردم:

... چند سال است با اینکه هنوز فرزندی نداشتید درباره امامت از شما سؤال کرده‌ام، فرمودید: امامت متعلق به پسر من است. خداوند اینک که به شما دو فرزند عنایت کرده، بفرمائید امامت متعلق به کدامیک از آنهاست؟ فرمود: این سؤالی که می‌کنی وقت آن حالا نیست. (همان: ۲۳ / ۶۷)

امام هشتم<sup>علیه السلام</sup> در پاسخ ایوب بن نوح که اظهار امیدواری کرده بود که ایشان، حضرت صاحب الامر باشد، چنین فرمود:

هیچ کس از ما خاندان نیست که مکاتبات داشته باشد و با انگشت به سوی اشاره کنند و از او مسئله بپرسند و اموال برایش برند، جز اینکه یا ترور شود و یا در بستر خود بمیرد (یا با شمشیر کشته شود و یا با زهر) ... (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۴۱)

حتی در زمان مأمون عباسی، امام رضا<sup>علیه السلام</sup> دوباره تحت فشار حکوت وقت قرار گرفت به گونه‌ای که برای حفظ جان خود و علویان، به ناچار ولایت‌عهدی مأمون را می‌پذیرد؛ چراکه آن حضرت می‌دانست که اگر امتناع ورزد، نه تنها جان خویش را به رایگان از دست می‌دهد، بلکه علویان و دوستان حضرت نیز همگی در معرض خطر واقع می‌شدند. (پیشوایی، ۱۳۸۳: ۴۹۰)

در چنین اوضاع اختناق و فشار بر امام و شیعیان، بیان نصوص امامت و تعیین آشکار امام جواد<sup>علیه السلام</sup> به عنوان جانشین امام رضا<sup>علیه السلام</sup> و امام شیعیان، جان ایشان را با خسارات فراوانی مواجه می‌کرد؛ در نتیجه برخی شیعیان که از امام رضا<sup>علیه السلام</sup> سخنی در مورد جانشین ایشان نشنیده بودند، دچار تردید شده بودند.

سه. تشکیک در امامت آن حضرت، به سبب شرایط خاص آن دوره تشکیک و پرسش یاران امام رضا<sup>علیه السلام</sup> از امامت آن حضرت و جانشین ایشان، به دلیل شرایط خاص زمان آن حضرت بود، نه فقدان نصوص امامت. برخی از مهم‌ترین عوامل تردید درباره امامت آن حضرت و جانشین ایشان عبارتند از:

**الف) فرقه واقفیه:** از سویی، امامت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> مصادف شد با ظهور یک جریان انحرافی به نام «واقفه» یا «واقفیه». واقفیه رحلت امام کاظم<sup>علیه السلام</sup> و در پی آن، امامت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> را انکار کردند. امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در برابر این گروه، علاوه بر اینکه شهادت پدر بزرگوار خود را یادآوری می‌کرد، با معجزات علمی و عملی، به اثبات امامت خود می‌پرداخت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹ / ۲۸۳ - ۲۶۱)

با توجه به اینکه مسئله توقف بر امام کاظم علیه السلام، توسط عده‌ای از اصحاب برجسته و وکلای آن حضرت همچون علی بن حسن طاطری کوفی (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۶) و حسن بن محمد بن سماعه (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۱ - ۴۰) که از جایگاه علمی، اجتماعی و روایی بالایی در میان شیعیان برخوردار بودند ترویج می‌شد، مشکلات فراوانی را برای جامعه شیعه به وجود آورده و سبب تردید برخی از شیعیان در امامت امام رضا علیه السلام و به دنبال آن امام جواد علیه السلام شدند.

سبب انحراف و توقف این فرقه را می‌توان در عواملی چون: «انگیزه‌های اقتصادی» (طوسی، ۱۴۱۱: ۶۴؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۳)، «سوءبرداشت از روایات و جعل و تحریف آنها» (مفید، ۱۴۱۴: ۳۱۴ - ۳۱۳)، «سوءبرداشت از فعالیت‌های امام کاظم علیه السلام» (ر. ک: همان: ۳۶؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۸: ۱۳ - ۱۲) فهرست کرد.

واقفیان برای اثبات عقاید خود، فعالیت‌های زیادی همچون: «تبلیغ آموزه‌ها از طریق نوشتن کتاب» (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۵۶)، «تعلیم و تربیت شاگرد» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۹۳؛ بیوکارا، ۱۳۸۲: ۱۸۱)، «جعل و تحریف احادیث و پراکندن شایعات» (همان: ۱۸۰؛ کشی، ۱۳۴۸: ۴۷۷ - ۴۷۶)، «تطمیع» (کشی، ۱۳۶۳: ۲ / ۷۸۶؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۶۴) انجام می‌دادند و در حقیقت به طرق مختلفی، به تبلیغ افکار خود می‌پرداختند تا افراد بیشتری را به سمت خود بکشانند.

واقفیه جهت تثبیت عقیده خود، شبهاتی را همچون «اصرارورزی بر زنده بودن امام هفتم» (کشی، ۱۳۶۳: ۲ / ۷۷۴ - ۷۷۳)، «عدم تقیة امام در اظهار» (صدوق، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۳۱ - ۲۳۰)، «شبهة غسل امام قبلی» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۸۴) و «فرزند نداشتن امام» (صدوق، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۶۶) مطرح کردند. (ر. ک: صفری فروشانی و بختیاری، ۱۳۹۱: ۹۸ - ۷۹)

از آنجاکه حضرت رضا علیه السلام، تا ۴۷ سالگی، هنوز فرزندی نداشتند، فرصت خوبی را برای واقفیه و دیگر معاندان امامت، به وجود آورده بود تا به انکار امامت آن حضرت بپردازند. به گونه‌ای که برخی از یاران آن حضرت نیز، به دلیل همین مسئله، از جانشین آن حضرت سؤال می‌کردند؛ زیرا آنها می‌دانستند که سلسله امامت تا دوازده امام، ادامه داشته و مطابق احادیث نبوی، نه نفر از امامان، از نسل حسین بن علی علیه السلام هستند و امام کاظم علیه السلام آخرین امام نیست. از سویی می‌دیدند که امام رضا علیه السلام فرزندی ندارد تا پس از ایشان، امامت به او منتقل شود، براین اساس، برخی در امامت حضرت رضا علیه السلام تردید کرده و برخی دیگر به انکار آن پرداختند و از جانشین آن حضرت، برای صدق ادعای امامت امام رضا علیه السلام سؤال می‌کردند.

مطابق روایاتی چند، یاران امام رضا علیه السلام هنگامی که می‌دیدند، آن حضرت فرزند و جانشینی ندارد، آن حضرت را متهم به عقیمی کرده و امامت آن حضرت را زیر سؤال می‌بردند. به عنوان نمونه،

حسین بن قیاما واسطی، در ضمن نامه‌ای به امام رضا<sup>علیه السلام</sup> می‌نویسد: «چگونه ممکن است امام باشی در صورتی که فرزندی نداری؟...». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۲۰؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۴۶)

شاهد این مطلب که تردید در امامت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> و یا جانشین آن حضرت، به دلیل شرایط خاص آن زمان بوده است و نه به سبب فقدان نصوص امامت، این است که بسیاری از واقف‌ها، که امامت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> را به دلیل عقیم بودن، انکار می‌کردند، بعد از تولد حضرت جواد<sup>علیه السلام</sup>، امامت آن حضرت را پذیرفتند.

**ب) شبهه امامت در کودکی:** گرچه با تولد حضرت جواد<sup>علیه السلام</sup>، برای بسیاری از شیعیان که در امامت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> و جانشین آن حضرت تردید داشتند، مسئله خاتمه یافته و از گمراهی به‌در آمده بودند؛ لیکن، برخی دیگر به بهانه اینکه جانشین آن حضرت، سن کمی دارد، به‌راحتی نمی‌توانستند امامت آن حضرت را بپذیرند.

از آنجاکه در غالب افراد بشری، دوران شکوفایی عقل و جسم انسان، معمولاً حد و مرز خاصی دارد که با رسیدن آن زمان، جسم و روان به حد کمال می‌رسند، لذا انتظار مردم این بود که جانشین امام رضا<sup>علیه السلام</sup> نیز، همچون امامان گذشته، دارای چنین ویژگی باشد، لکن برخلاف این انتظار، شخصی از طرف امام رضا<sup>علیه السلام</sup> به‌عنوان جانشین آن حضرت معرفی می‌گردد که کودکی حدوداً هشت ساله بود و همین امر کافی بود تا برخی از شیعیان در امامت حضرت جواد<sup>علیه السلام</sup> تردید کرده و از امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در این باره توضیح بخواهند.

به‌عنوان نمونه، صفوان بن یحیی می‌گوید:

به امام رضا<sup>علیه السلام</sup> گفتم: اگر خدای ناخواسته، برای شما پیشامدی کند، به که بگرویم؟ حضرت<sup>علیه السلام</sup> با دست اشاره به ابی‌جعفر<sup>علیه السلام</sup> فرمود که در برابرش ایستاده بود. عرض کردم: قربانت این پسری سه ساله است! فرمود: «چه مانعی دارد؟ عیسی<sup>علیه السلام</sup> سه ساله بود که به حجت قیام کرد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۲۱)

شاهد بر اینکه پرسش یاران امام رضا<sup>علیه السلام</sup> از جانشین آن حضرت، به‌دلیل شبهه امامت در کودکی بوده است و نه فقدان نصوص امامت، ذیل این روایت است که امام<sup>علیه السلام</sup> در پاسخ صفوان، که از کودک بودن امام جواد<sup>علیه السلام</sup> شگفت‌زده شده است، نصوص امامت را یادآوری نکرده است - و گویا نصوص امامت برای صفوان، امری مسلم بوده است و تنها وی انتظار نداشته است که مسئولیت حساس و سنگین مقام پیشوایی و رهبری امت اسلام، به کودکی واگذار گردد -؛ بلکه امام برای زدودن این شبهه، زمان نبوت حضرت عیسی<sup>علیه السلام</sup> را که در کودکی اتفاق افتاده است، یادآوری می‌کند.

**ج) تشکیک در انتساب حضرت جواد<sup>علیه السلام</sup> به امام رضا<sup>علیه السلام</sup>:** یکی از اموری که در تردید برخی از یاران امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در جانشینی جواد<sup>علیه السلام</sup> نقش داشته است، کارشکنی گروهی از نزدیکان امام هشتم<sup>علیه السلام</sup> در مسئله امامت امام جواد<sup>علیه السلام</sup> بوده است.

برخی از بستگان و نزدیکان امام رضا علیه السلام، به جهت شبهه، جهالت، یا حسادت و کینه، خواستند از طریق دیگری امامت حضرت رضا علیه السلام را انکار کنند. اینان، گندمگون بودن حضرت جواد علیه السلام را بهانه خود قرار داده و گفتند: «در میان ائمه علیهم السلام، امام گندمگون نداشتیم، لذا حضرت جواد علیه السلام که صورتی گندمگون دارد، فرزند امام رضا علیه السلام نیست». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۲۲)

این کارشکنی، گرچه با قضاوت قیافه‌شناسان و اذعان نزدیکان امام علیه السلام، خنثی شد، لیکن، همین امر، می‌توانست دستاویزی برای تردید در جانشینی حضرت جواد علیه السلام از سوی جاه‌طلبان و زردستان قرار گیرد. نتیجه آنکه، شبهات و تردیدهایی که در زمان امام رضا علیه السلام درباره امامت آن حضرت و جانشین ایشان وجود داشت، به‌حدی زیاد بود که بسیاری از شیعیان، دچار سردرگمی و شبهه شدند و با آنکه می‌دانستند سلسله امامت از خاندان رسالت، ادامه دارد، اما به‌دلیل مسائل مزبور و ناتوانی در پاسخ به این شبهات، درباره مسئله امامت و مصداق امام، سؤال می‌کردند، نه به‌جهت فقدان نصوص امامت.

چهار. اعتقاد راسخ برخی از یاران حضرت به امامت ایشان

اگر فرضیه فیصل نور، مبنی بر فقدان نصوص امامت، صحیح باشد، همه یاران امام رضا علیه السلام باید در امامت ایشان و جانشینشان تردید می‌کردند؛ درحالی‌که براساس گزارش‌های تاریخی، برخی از اصحاب و یاران خاص آن حضرت بوده‌اند که هیچ‌گاه در امامت پیشوایان دینی تردید نکرده و جریان واقفیه و شبهات عصر امام رضا علیه السلام نتوانسته در باور آنان اثری داشته باشد. بنابراین، این دلیل، با مواردی که ذکر می‌گردد، نقض شده و از باب تعارض ادله (إِذَا تَعَارَظَا، تَسَاقَطَا)، از اعتبار ساقط می‌گردد. برخی از یاران خاص حضرت عبارتند از:

- **دعبل بن علی بن رزین: وی، شاعر مشهور اهل بیت علیهم السلام و راوی حدیث بود که کتاب طبقات الشعراء از تصنیفات اوست. در انتقاد از خلفای عباسی و دشمنان خاندان پیامبر ابا نداشت و علت قتلش هجو خلفای عباسی بود. (امینی: ۱۳۹۱: ۲ / ۵۴۷)**

- **زکریا بن آدم: او از اصحاب ثقه امام موسی کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام بود و در نزد امام رضا علیه السلام از منزلت خاصی برخوردار بود. (موسوی خویی، ۱۴۰۳: ۸ / ۲۸۲) با درگذشت امام موسی کاظم علیه السلام و شکل‌گیری جریان واقفیه، زکریا در منطقه قم توانست از گسترش این اعتقاد انحرافی جلوگیری کند و جریان تشیع را از گزند حفظ نماید. (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۳)**

- **صفوان بن یحیی: وی از افراد مورد وثوق امامیه بود و شیخ طوسی وی را موثق‌ترین افراد زمان خویش در حدیث و عابدترین آنها معرفی کرده است. (طوسی، ۱۳۵۱: ۱۷۱) در حدیثی، امام جواد علیه السلام درباره میزان تبعیت و وفاداری صفوان و دیگر یاران ائمه علیهم السلام فرموده است: «خداوند از صفوان بن**

نقد و بررسی تعارض برخی رویدادهای تاریخی مرتبط با امام رضا علیه السلام با نصوص امامت □ ۱۱۷

یحیی و محمد بن سنان راضی و خشنود گردد، زیرا آنها با من و پدرم هرگز مخالفت نکردند».  
(موسوی خویی ۱۴۰۳: ۱۷ / ۱۶۲)

- اباصلت هروی: او از یاران خاص امام رضا علیه السلام و محرم اسرار و همراه همیشگی ایشان بود. او نزد همه رجال‌شناسان شیعه، و اکثر علمای اهل سنت مورد وثوق است. (طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۳۹) ابراهیم بن هاشم نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام به اباصلت هروی فرمود: «آیا تو نیز مانند دیگران، به آنچه خداوند متعال نسبت به ما واجب کرده یعنی ولایت ما، منکر هستی؟ اباصلت جواب داد: به خدا پناه می‌برم، بلکه من به ولایت شما اقرار دارم». (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۸۴؛ بروجردی، ۱۳۷۱: ۵ / ۱۵۵)

شبهه دوم: منازعه اهل بیت امام رضا علیه السلام با ایشان

اگر ادعای امامت حضرت رضا علیه السلام با استناد به نصوص امامت، صحت داشته باشد و بپذیریم که یاران آن حضرت به دلایلی از امامت ایشان و جانشینشان، بی‌اطلاع بوده‌اند، به‌طور حتم، ناآگاهی نزدیکان و اهل بیت آن حضرت از مسئله امامت، قابل پذیرش نیست؛ درحالی‌که مطابق برخی گزارش‌ها، اهل بیت آن حضرت نیز از امامت ایشان بی‌خبر بوده‌اند.

فیصل نور، جهت اثبات ادعای فوق، به دو روایت از منابع شیعه استناد می‌کند:

یک. روایت عبدالله بن موسی علیه السلام

در روایتی آمده است، عبدالله بن موسی علیه السلام، عموی امام جواد علیه السلام، بعد از شهادت حضرت رضا علیه السلام، در مجلسی که امام جواد علیه السلام نیز در آن حضور داشت، به سؤالات حضار، پاسخ می‌دهد. وی، با اینکه فردی با ورع و با ذکاوت بود، پاسخ اشتباه به سؤالی می‌دهد و پس از شنیدن پاسخ صحیح از امام جواد علیه السلام، به اشتباه خود پی برده و حضرت را تصدیق کرده و از خدا طلب رحمت می‌کند. (مفید، ۱۴۱۳: ب: ۱۰۲)

فیصل نور، پس از نقل روایت یادشده بر آن است که:

اولاً، وقتی از دیدگاه شیعه، عبدالله بن موسی علیه السلام، فردی با ذکاوت و با تقوا بود، چرا پاسخ اشتباه به

سؤال سائل داد؟!

ثانیاً، چرا آن سؤال‌کننده، با وجود حضرت جواد علیه السلام، از عبدالله بن موسی، سؤالات خود را پرسید؟ این موارد خود بر فقدان نصوص امامت دلالت دارد، زیرا با وجود نصوص امامت و علم عبدالله بن موسی و مردم به امامت حضرت جواد علیه السلام، همه سؤالات باید به امام علیه السلام ارجاع می‌شد. (فیصل نور، ۱۴۲۵: ۱۶۱)

نقد

اول: عبدالله بن موسی علیه السلام مطابق روایت مزبور، هیچ‌گونه ادعای امامت نداشته و امامت حضرت جواد علیه السلام

را نیز انکار نکرده است تا به سبب آن، بر فقدان نصوص امامت استدلال شود! حتی برخلاف ادعای فیصل نور، هیچ نزاعی با امام جواد علیه السلام نیز نداشته است. بلکه تنها به مردمی که برای اطمینان خاطر خود، سؤالاتی را از وی می پرسیدند پاسخ می داد.

لَمَّا مَاتَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَاءُ علیه السلام حَجَّجْنَا ... فَأَبْتَدَرَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ فَقَالَ لِعَمِّهِ أَصْلَحَكَ اللَّهُ ...  
(مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۰۲)

پس از فوت حضرت رضا علیه السلام به مکه رفتیم و خدمت حضرت جواد علیه السلام رسیدیم گروهی از شیعیان از نواحی مختلف آمده بودند تا از نزدیک امام جواد علیه السلام را زیارت کنند. در این موقع عمویش عبدالله بن موسی که پیرمرد با شخصیتی بود وارد شد ... یکی از حاضرین رو به عموی امام علیه السلام نموده گفت ...

دوم: برای شیعیان مسلم بود که امام رضا علیه السلام در نصوص فراوانی، فرزند خود؛ جواد علیه السلام را برای جانشینی برگزیده است. (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۷۴) ولی خردسالی آن حضرت، سبب شد تا مردم، برای اثبات امامت آن حضرت، تحقیق کنند. به همین دلیل، ابتدا سراغ عموی امام جواد علیه السلام که فردی مسن و باتقوا بود رفتند. وقتی دیدند که وی، توان پاسخ گویی به سؤالات آنها ندارد، از وی روی گردان شده، به امامت حضرت جواد علیه السلام باور پیدا کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰ / ۴۱)

سوم: از نظر شیعه، تنها معصومین علیهم السلام از همه گناهان و خطاها مصون می باشند و سایر مردم و حتی فرزندان آنها، ممکن است در رفتار و گفتارشان، دچار اشتباه شوند. عبدالله نیز وقتی به سؤالی که از وی شده بود، پاسخ اشتباه داده بود، امام جواد علیه السلام به او فرمود: چرا مسئله ای را که نمی دانی فتوا می دهی؟ گفت: «آیا پدرت (امام رضا علیه السلام) این چنین پاسخ نمی داد؟» یعنی عبدالله فکر می کرد سؤالی که از وی پرسیده شد، عیناً همان سؤالی بود که از امام رضا علیه السلام سؤال شد، به همین دلیل، همان پاسخ را ارائه کرد. امام جواد علیه السلام ضمن بیان متفاوت بودن سؤال از پدرش علیه السلام با سؤال از عبدالله، پاسخ صحیح را فرمودند. وقتی عبدالله، پاسخ صحیح را از امام جواد علیه السلام - که در آن زمان، نه سال داشت - شنید، عرض کرد:

ای سرورم! شما راست می گوئید و من از خداوند طلب آموزش می کنم. پس مردم تعجب کردند. (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۰۲)

حال، شما قضاوت کنید! آیا کسی که خودش یک فرد باور و باذکاوت و «شیخ کبیر» (همان) بود و عموی جواد الائمه علیهم السلام، در برابر کسی که نه سال بیشتر ندارد و برادرزاده او بوده و حتی برخی گمان می برند که عبدالله جانشین امام رضا علیه السلام است، این چنین تواضع می کند و او را با «سیدی» خطاب می کند، آیا در

نقد و بررسی تعارض برخی رویدادهای تاریخی مرتبط با امام رضا علیه السلام با نصوص امامت □ ۱۱۹

مقام نزاع با ایشان بوده و ادعای امامت و جانشینی حضرت رضا را دارد؟ این حکایت، برخلاف ادعای فیصل نور، دلالت بر اطلاع عبدالله بن موسی بر امامت حضرت جواد علیه السلام دارد تا انکار امامت ایشان!

دو. روایت عباس بن موسی علیه السلام

بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام، فرزندش عباس بن موسی علیه السلام با امام رضا علیه السلام به منازعه برخاست و به عمران بن قاضی درباره وصیت‌نامه امام موسی بن جعفر علیه السلام گفته است:

درون این وصیت کاظم علیه السلام، گنج و جوهری برای ما وجود دارد که رضا علیه السلام می‌خواهد از آن خودش کند ... در این موقع حضرت رضا رو به جانب عباس کرده، فرمود: برادر! من می‌دانم قرض، تو را وادار به این کار کرده. فرمود: سعد! برو تعیین کن چقدر قرض دارند. قرض آنها را پرداز و سند مقروض بودنش را بگیر و قبض رسید از طلبکاران بستان ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۸ / ۲۸۰)

به باور فیصل نور، این نزاع، دلالت بر فقدان نص بر امامت حضرت رضا علیه السلام دارد و اگر عباس بن موسی، می‌دانست که برادرش رضا علیه السلام، مطابق نصوص امامت، امام است، هیچ‌گاه با ایشان نزاع نمی‌کرد. (فیصل نور، ۱۴۲۵: ۱۶۲)

#### نقد

اول. در این روایت، هیچ سخنی از عباس بن موسی نقل نشده است که دلالت بر انکار امامت از سوی وی داشته باشد. بلکه این گزارش، صرفاً نزاع عباس بن موسی با برادرش علی بن موسی علیه السلام در یک مسئله مالی را حکایت کرده است.

دوم. نزاع با امام، منافاتی با علم به امامت آن حضرت ندارد. همچنان که سرپیچی از دستورات خداوند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان قبلی نیز صورت گرفته است با آنکه آگاهی کامل به مقام الوهیت، نبوت و امامت داشتند که به‌عنوان نمونه می‌توان موارد زیر را نام برد.

۱. تخلف از دستور خداوند و قرآن کریم توسط عمر: عمر در زمان خلافتش با کمال صراحت روی منبر اعلام کرد:

دو متعه در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود و من از آن جلوگیری خواهم کرد و مرتکب آن را مجازات می‌کنم، «حج تمتع و ازدواج موقت». (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵ / ۱۶۷)

۲. تخلف از دستورات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ احد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۸: ۳ / ۱۲۳)

۳. تخلف از شرکت در اردوگاه اسامه. (ابن سعد، بی تا: ۲ / ۱۹۰)

۴. سرپیچی از دستور پیامبر اکرم ﷺ در آوردن قلم و دوات برای آن حضرت نزدیک رحلت. (نیشابوری، بی تا: ۵ / ۷۶)

۵. مخالفت با پذیرش امامت امام حسن و امام حسین ﷺ با وجود نص صریح رسول خدا ﷺ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳ / ۲۹۱)

به طور حتم، این مخالفت‌ها، نه به دلیل عدم معرفت نسبت به خداوند و خلفای الهی، بلکه به دلیل حسادت، حبّ ریاست، دنیاپرستی، خوف از کشته شدن و ... انجام گرفته است. بنابراین ممکن است گفته شود که عباس بن موسی ﷺ نیز به دلیل حسادت یا بدهی مالی و یا دنیاطلبی، دست به چنین اقدامی زده است. در خود این روایت نیز می‌توان شاهدی یافت که عباس، به امامت حضرت رضا ﷺ آگاهی داشته است، آنجا که به ابوعمران قاضی چنین گفت:

وَلَوْ لَا أَنِّي أَكْفُتُ نَفْسِي لَأَخْبَرْتُكَ بِشَيْءٍ عَلَى رُءُوسِ الْمَلَأِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۱۸)  
و اگر من خودداری نمی‌کردم، در برابر همه مردم به تو خبر مهمی می‌گفتم.

از ظاهر این عبارت این طور استفاده می‌شود که:

اولاً با توجه به اینکه عباس بن موسی مسائل مالی را مطرح کرده بود، به احتمال بسیار زیاد، مسئله‌ای که او از بیان آن خودداری کرده بود، موضوع امامت و جانشینی آن حضرت بوده است. ثانیاً وی حتی می‌دانست که مسئله امامت و جانشینی حضرت رضا ﷺ باید مخفی بماند و طرح آن در دادگاه علنی و در حضور مردم به صلاح نیست و گویا به خاطر همین می‌خواست با تهدید به افشای این سرّ، قاضی را مجبور کند تا وصیت امام کاظم ﷺ را بدون رضایت حضرت رضا ﷺ باز کند. سوم. (در تأیید پاسخ دوم) وی حتی با پدرش که به طور حتم می‌دانست که امام است نیز مخالفت نمود و مهر وصیت را بدون رضایت وصی امام کاظم ﷺ یعنی امام رضا ﷺ پاره کرد.

بعد از شهادت حضرت موسی بن جعفر ﷺ، عباس از عمران بن قاضی خواست تا وصیت‌نامه آن حضرت را باز کند. ابراهیم بن محمد جعفری و نیز اسحاق بن جعفر که به مقام شامخ آن حضرت آگاهی داشتند، به او حمله کردند و دشنامش دادند! عمران قاضی نیز، به عباس هشدار داد که اگر این وصیت را بدون اجازه حضرت رضا ﷺ باز کند، مورد لعنت پدرش موسی بن جعفر ﷺ قرار خواهد گرفت. وی به این هشدار توجهی نکرد و مهر وصیت را پاره کرد. مطابق نص این روایت، بدهی‌های مالی او (یا طمع‌ورزی او) چنان وی را کورکور کرده بود که از مخالفت با هیچ هشدار و اندرزی و حتی مخالفت با تهدیدهای شدیدالحن پدرش ابایی نداشت. بنابراین نزاع عباس با برادرش رضا ﷺ را نمی‌توان معلول فقدان نصوص امامت و در نتیجه بی‌اطلاعی وی از امامت آن حضرت دانست.

چهارم. در خود این روایت، انگیزه نزاع و مخالفت عباس بن موسی با حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> بیان شده است. مطابق این گزارش، وی به دلیل بدهی مالی و قرضی که داشت، دست به چنین اقدامی زده است و با آنکه حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> به او پیشنهاد پرداخت بدهی‌های او را داد، به دلیل طمع‌ورزی به مال دنیا، پیشنهاد حضرت را نپذیرفت و همچنان به دنبال گنجی بود که به زعم وی در آن نامه به امام رضا<sup>علیه السلام</sup> اختصاص یافته بود. آنچه که در تأیید سخن امام رضا<sup>علیه السلام</sup> می‌توان گفت این است که عباس بن موسی این سخن حضرت را رد نکرد و فقط به آن گنج خیالی می‌اندیشید.

نتیجه آنکه نقل یک منازعه، آن‌هم به خاطر انگیزه مالی که در خود روایت نیز بیان شده است، اصلاً دلیل بر نبود نص امامت نیست. روایات و نصوصی که از حضرت موسی بن جعفر<sup>علیه السلام</sup> درباره امامت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> آمده و حتی در خود این روایت نیز تصریح به امامت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> شده است (کلینی، ۱۴۰۳: ۱ / ۳۱۶) جای هیچ‌گونه تردید برای این قضاوت باقی نمی‌گذارد که به‌طور قطع، عباس بن موسی<sup>علیه السلام</sup>، علم به امامت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> داشته است، از این‌رو، نه ادعای امامت کرد و نه امامت حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> را منکر شد.

پنجم: فیصل‌نور، نزاع برخی از اهل‌بیت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با ایشان را دلیل بر فقدان نصوص امامت و جهل آنها نسبت به امامت آن حضرت گرفته است؛ درحالی‌که برخی دیگر از اهل‌بیت حضرت، همچون احمد بن موسی<sup>علیه السلام</sup> مشهور به «شاهچراغ» و «امین ولایت»، آگاهی کامل به امامت ایشان داشته و هرگز تردیدی به خود راه ندادند.

پس از شهادت امام موسی کاظم<sup>علیه السلام</sup>، مردم به سبب شخصیت والای احمد بن موسی گمان می‌کردند، احمد، امام بعدی است و بر در خانه‌اش تجمع کردند تا با او بیعت کنند. احمد بن موسی از آنان بیعت گرفت و سپس بر منبر رفت و خطبه‌ای در کمال فصاحت و بلاغت بیان کرد و سپس فرمود:

ای مردم، همچنان که اکنون تمامی شما با من بیعت کرده‌اید، بدانید که من خود، در بیعت برادرم علی بن موسی الرضا<sup>علیه السلام</sup> هستم. او پس از پدرم، امام و خلیفه به‌حق و ولی خداست. از طرف خدا و رسولش بر من و شما واجب است که از او اطاعت کنیم. پس مردم با احمد بن موسی همراه شدند و خدمت علی بن موسی<sup>علیه السلام</sup> رسیدند و به امامت آن بزرگوار اعتراف کردند. امام رضا<sup>علیه السلام</sup> نیز در حق ایشان چنین دعا کردند: «همچنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی، خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد». (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱ / ۱۹۹؛ مجلسی ۱۴۰۳: ۴۸ / ۳۰۸)

از این تعبیر احمد بن موسی که فرمود: «از طرف خدا و رسولش بر من و شما واجب است که از او اطاعت کنیم»، آگاهی او نسبت به نصوص امامت کاملاً آشکار است و از آنجاکه در مسئله نزاع برخی دیگر از اهل‌بیت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با ایشان، هیچ سخنی دال بر انکار نصوص امامت یافت نشد، بنابراین، این سخن وی بلامنازع می‌ماند.

## نتیجه

وجود «نصوص امامت» در منابع روایی شیعه به اثبات رسیده و ادعای فقدان نصوص امامت، ادعایی بدون دلیل است. فارغ از آنکه تعدادی از یاران امام رضا علیه السلام در امامت آن حضرت و جانشین ایشان ثابت قدم بوده‌اند، تردید برخی از یاران امام رضا علیه السلام در جانشین ایشان حضرت جواد الائمه علیه السلام را می‌توان معلول خفقان حکومت عباسی و تقیه شیعه، کارشکنی واقفیه در مسئله امامت، سن کم امام جواد علیه السلام و ... دانست. منازعه برخی از اهل بیت علی بن موسی الرضا علیه السلام با ایشان نیز، در یک مسئله مالی بوده و هیچ ارتباطی با ادعای امامت آن حضرت نداشته است. همچنین از سخنان احمد بن موسی برادر امام رضا علیه السلام، آگاهی کامل او به نصوص امامت آشکار است.

## منابع و مأخذ

۱. ابن ابی‌الحدید المعتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، محقق و مصحح محمود محمد طنحی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد، بی تا، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار صادر.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۸، *مناقب آل ابی طالب*، قم، انتشارات مصطفوی.
۵. احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ ق، *مکاتیب الرسول ﷺ*، قم، دار الحدیث.
۶. امینی، عبدالحسین، ۱۳۹۱، *الغدیر*، ترجمه محمدتقی واحدی و علی شیخ الاسلامی، ویرایش علیرضا میرزا محمد، تهران، بنیاد بعثت.
۷. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ۱۴۰۶ ق، *قواعد المرام فی علم الکلام*، تحقیق السید احمد الحسینی، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۱ ق، *صحیح بخاری*، بیروت، دار الفکر.
۹. بروجردی، حسین بن رضا، ۱۳۷۱، *بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال (فی الرجال)*، شارح علی بن عبدالله علیاری تبریزی، قم، المطبعة العلمية.
۱۰. بیوکار، م. علی، ۱۳۸۲، «دودستگی در شیعیان امام کاظم علیه السلام و پیدایش فرقه واقفه»، *فصلنامه علوم حدیث*، ترجمه وحید صفری، قم، ش ۳۰، ص ۱۹۵ - ۱۶۴.
۱۱. پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۳، *سیره پیشوایان*، قم، چاپخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام.

نقد و بررسی تعارض برخی رویدادهای تاریخی مرتبط با امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با نصوص امامت □ ۱۲۳

۱۲. خزاز رازی، علی بن محمد، ۱۴۰۱، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، محقق و مصحح عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، بیدار.
۱۳. زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
۱۴. شهرستانی، علی، ۱۴۱۸ ق، *منع تدوین الحدیث؛ اسباب و نتائج*، قم، یاران.
۱۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۳۶۴، *الملل و النحل*، تحقیق محمد بدران، قم، ظریف رضی.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸، *عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>*، محقق و مصحح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۵، *کمال الدین و تمام النعمة*، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
۱۸. صفری فروشانی، نعمت الله و زهرا بختیاری، ۱۳۹۱، «امام رضا<sup>علیه السلام</sup> و فرقه واقفیه»، *نشریه پژوهش های تاریخی*، دوره چهارم، اصفهان، پژوهش های تاریخی، ش ۲، ص ۹۸ - ۷۹.
۱۹. صفری فروشانی، نعمت الله، ۱۳۸۸، «فرقه های درون شیعی دوران امامت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> (با تکیه بر فطحیه و واقفیه)»، *نشریه پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*، قم، سال هشتم، ش ۲۸، ص ۲۲ - ۳.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ ق، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، اسلامیة.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، محقق و مصحح احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۵۱، *الفهرست*، مشهد، دانشگاه مشهد.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ ق، *الغیبة*، محقق و مصحح عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۷ ق، *الفهرست*، تحقیق جواد القیومی، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهة.
۲۵. عسگری، سید مرتضی، ۱۳۸۸، *بازشناسی دو مکتب*، ترجمه معالم المدرستین، تهران، موسسه علمی فرهنگی عسگری، دانشکده اصول دین.
۲۶. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۰۵ ق، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين*، محقق: سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۷. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۲۰ ق، *الانوار الجلالیة فی شرح الفصول النصیریة*، تحقیق علی حاجی آبادی و عباس جلالی نیا، مشهد، مؤسسه الطبع التابعة للآستانه الرضویة المقدسة.

۲۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۲۲ ق، *اللوامع الالهيه في المباحث الكلاميه*، تحقيق و تعليق: محمدعلي طباطبائي، قم، دفتر تبليغات اسلامي.
۲۹. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتيح الغيب*، بيروت، دار احياء التراث العربي.
۳۰. فيصل نور، ۱۴۲۵ ق، *الامامة والنص*، يمن، دار الصديق.
۳۱. كشي، محمد بن عمر، ۱۳۶۳، *رجال الكشي - اختيار معرفة الرجال*، مع تعليقات مير داماد الأسترآبادي، تحقيق مهدي رجائي، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۳۲. كليني، محمد بن يعقوب، ۱۴۰۷، *الكافي*، تحقيق علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دار الكتب الاسلامية.
۳۳. لاهيجي، ملا عبدالرزاق، ۱۳۶۲، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات*، تصحيح صادق لاريجاني آملی، تهران، الزهراء عليها السلام.
۳۴. لاهيجي، ملا عبدالرزاق، ۱۳۸۳، *گوهر مراد، مقدمه زين العابدين قرباني*، ويراسته جعفر پژوم (سعیدی)، تهران، سایه.
۳۵. مجلسي، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار عليهم السلام*، تحقيق جمعي از محققان، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
۳۶. مفيد، محمد بن النعمان، ۱۳۹۶ ق، *الفصول المختارة من العيون والمحاسن*، قم، منشورات مكتبة الداوري.
۳۷. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ الف، *الارشاد في معرفة حجج الله على العباد*، محقق و مصحح مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، كنگره شيخ مفيد.
۳۸. مفيد، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ب، *الإختصاص*، محقق و مصحح علي اكبر غفاري و محمود محرمي زرندي، قم، كنگره شيخ مفيد.
۳۹. مفيد، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *الارشاد*، به كوشش مؤسسه آل البيت، بيروت، دار المفيد.
۴۰. موسوي خويي، سيد ابوالقاسم، ۱۴۰۳ ق، *معجم رجال الحديث*، بي جا، مركز نشر الثقافة الاسلامية.
۴۱. نجاشي، احمد بن علي، ۱۴۱۶ ق، *رجال النجاشي*، تحقيق سيد موسي شبيري زنجاني، قم، مؤسسة النشر الاسلامي.
۴۲. نراقي، ملا محمد مهدي، ۱۳۶۹، *انيس الموحدين*، تصحيح آيت الله قاضي طباطبائي، تهران، الزهراء عليها السلام.
۴۳. نيشابوري، مسلم بن حجاج، بي تا، *صحيح مسلم*، بيروت، دار الفكر.